

بسم الله الرحمن الرحيم

عقلانیت جاری بر همراهی با اهل بیت علیهم السلام در پرتو دکتترین « وَ اللَّزِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ »

زینب میرزایی^۱

چکیده

انسان در مواجهه با اهل بیت(ع) سه راه پیش‌رو دارد؛ افرادی که از ایشان روی‌برگردانند از دین خارج گردیده، افرادی که همراه با اهل بیت(ع) شوند ملحق به ایشان می‌شوند که منتج به قرب الهی می‌شود و افرادی که در حق ایشان به عمد کوتاهی کنند هلاک خواهند شد. از این‌رو عقلانیت مؤلفه‌ای است که در جهت ملازمت با امام علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است به طوری که عقلانیت در فرآیند ملازمت با معصوم علیهم السلام موجب شرافت عقل، ملحق شدن انسان به اهل بیت و تجلی فعلی خداوند می‌شود. در مقابل آن، جهل قرار دارد که مهمترین ویژگی آن مانعیت برای عقل است در صورتی که عقل بر جهل سیطره یابد، حصول آن گرایش به کمال، کنترل قوه واهمه و ریاضت نفس در جهت سعادت ابدی است. اما اگر جهل بر عقل غالب شود رهایی قوای واهمه، غضبیه و شهوت را به همراه دارد به طوری که موجب اعراض و مسامحه در حق معصوم شده و حاصل آن شقاوت و هلاکت خواهد بود. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلید واژه: ، عقل، عقلانیت، جهل، ملازم، لاحق

^۱. حوزه: کرمانشاه؛ مدرسه علمیه امام خامنه ای سطح ۲؛ ایمیل: zainabmirzaei۱۲۸۸@gmail.com

مقدمه

در زیارت جامعه، عبارت « وَ اللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ » و همچنین در صدر و ذیل فراز، فرجام سه جریان معرض، ملازم و مقصر را نسبت به اهل بیت علیهم السلام متذکر شده است و در حقیقت ائمه هدی علیهم السلام را معیار سنجش دانسته به طوری که ملازمت با ایشان سبب ملحق شدن به آنها و قرب الی الله می شود اما روی گردانی از ایشان موجب خارج شدن از دین و کوتاهی به عمد از حقوق ایشان موجب هلاک شدن می شود. در این راستا عوامل بیرونی و درونی متعددی وجود دارد. از مجموعه عوامل بیرونی می توان به انبیاء، اهل بیت علیهم السلام، مبلغین دین اشاره نمود و از عوامل درونی می توان عقل، عقلانیت، فطرت و وجدان را نام برد که در بین عوامل درونی، در این مقاله سعی شده است به عامل عقلانیت پرداخته شود. با توجه به افراط و تفریطهایی که در تبعیت از اهل بیت علیهم السلام صورت می پذیرد و به دنبال آن در تبعیت از ولایت فقیه، در برخی از افراد عدم اطاعت وجود دارد و همچنین کجروی های آگاهانه یا نا آگاهانه ای که صورت می گیرد ضرورت پرداختن به تبعیت به هنگام از ائمه علیهم السلام مشخص می شود. از این رو هدف از پژوهش حاضر ارتقای آگاهی در تبعیت از اهل بیت علیهم السلام، بررسی ارتباط عقلانیت و ملازمت با ایشان است که راه گشایی باشد در جهت تبعیت به هنگام از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. در پیشینه این تحقیق عقلانیت در ارتباط با فراز «وَ اللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ» بررسی نشده اما مبحث عقل و عقلانیت در دین مورد بررسی قرار گرفته که برخی از آنها عبارتند از:

۱. مقاله، عقل و دین، قربانعلی رضانی، مریبان پاییز، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۰

۲. مقاله، رابطه عقل و دین از دیدگاه سید رضی شیرازی، سعید بهشتی، مجله عقل و دین، شماره ۲،

تابستان ۱۳۸۹

۳. مقاله، تعامل عقل و قلب در فرایند شکوفایی نفس در بررسی تفسیری آیه ۴۶ حج، مطالعات تفسیری، محسن

ایزدی، عباس بخشنده بالی، شماره ۴۹، سال ۱۴۰۱

۴. مقاله، کاربست قرآن و عقل در باب هدف نهایی زندگی از دیدگاه حکمت متعالیه، ایوب مباشری، محمد رضا

ضمیری، محمد صادق جمشیدی راد، حسن مهدی فر، مطالعات قرآنی، شماره ۴۲، سال ۹۹

۱. **عقل**: لغت شناسان زبان عربی، گاهی واژه عقل را با متضاد آن یعنی جهل معنا کرده‌اند.^۱ و همچنین آن را ضد حمق دانسته‌اند.^۲ و شماری مفاهیم مادی و معنوی نیز برا آن منظور داشته‌اند همچون علم، امساک، تدبر، تشخیص، خوب فهمیدن، ادراک، امتناع کردن از هوای نفس.^۳
۲. **عقلانیت**: معنای لغوی واژه عقلانیت به معنای فهمیدن و درک کردن است.^۴ و در اصطلاح دارای کاربردهای مختلفی است. کاربرد نخست آن قرار گرفتن وصف باورهاست آن هنگام که یک گزاره متصف به صفت عقلانیت یا عاقلانه می‌شود. کاربرد دوم آن متصف شدن افعال به صفت عقلانیت است و کاربرد دیگر آن اتصاف ارزش‌ها به عقلانیت است.^۵ در واقع عقلانیت روش ادراک عقلی واقعیت، اعم از نظری و عملی است که به آن در باورها، تصمیمات و گزاره‌ها «عقلانیت نظری»، در ارزیابی حوزه عملی «عقلانیت عملی» و در حوزه ارزش‌ها «عقلانیت ارزش شناختی» اطلاق می‌شود.^۶ از این رو آن هنگام که عقول جزئی‌ه اعم از عقل نظری و عملی عاقلانه استدلال و عمل کنند عقلانیت حاصل می‌شود.
۳. **جهل**: جهل به دو معنا بیان شده معنای اول در مقابل علم است به معنای فعلی را بدون علم انجام دادن^۷ که در فارسی به نادانی تعبیر شده^۸ معنای دوم آن مخالف عقل است به معنای حماقت، سفاهت و بی‌اعتنایی^۹
۴. **ملازم**: «لازم» «لزوم» به معنای همراهی همیشگی چیزی با چیز دیگر، جدایی ناپذیر و همراه. عذابی که همواره همراه کافر است و او را رها نمی‌کند را «لزام» گویند.^{۱۰} «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا»^{۱۱} «که شما کافران (آیات حق را) تکذیب کردید و به کیفر همیشگی آن گرفتار خواهید شد»

۱. فراهیدی، ترتیب‌الکتاب العین، ج ۱، ص ۱۵۹

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۸۵

۳. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۹۶

۴. معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۰۸۰

۵. قائمی‌نیا، چیستی عقلانیت، ص ۴

۶. همان

۷. فراهیدی، ترتیب‌الکتاب العین، ج ۳، ص ۳۹۰

۸. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۷۰

۹. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۸۰

۱۰. ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۴۵، «ل ز م»

۱۱. فرقان: آیه ۷۷

«وعانقه معانقه وعناقاً: التزمه فأدنى عنقه من عنقه^۱...» «وقتی دو نفر با هم با محبت معانقه می کنند، به هم می چسبند و گویی نمی خواهند از هم جدا شوند و یکی می شوند»
۵. لاحق: «لحوق» (مصدر «ل ح ق») بدان معنا که چیزی [در مسیر حرکت] به چیز دیگری برسد^۲، رسیده، دست یابنده، پیوسته^۳

ملازمت و همراهی با اهل بیت علیهم السلام

فحص در آیات قرآن، چنین می نماید که دین، اسلوب اعتقادی، اخلاقی و عملی ارتباط با عالم غیب و خداوند متعال است که از جانب پروردگار رحمان توسط انبیا و اولیا علیهم السلام برای بشر بیان گردیده به گونه ای که پس از پذیرش و عمل کامل به آن از جانب ایشان، به مردم ابلاغ شده است^۴.

از امام صادق علیه السلام در مورد وجوب اطاعت از اوصیاء پرسش به میان آمد؛ آن حضرت فرمودند: بلی همان هایی که خداوند راجع به ایشان فرموده: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۵» «ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید» و همچنین «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^۶» «ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می دهند»

البته در این بخش از فراز «وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَأَحِقُّ» اشاره به متابعت و اطاعتی شده که به صورت همراهی و ملازمت همیشگی و دائمی باشد و حاصل آن ملحق شدن به اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است. مصداق تام این ارتباط در بین اهل بیت علیهم السلام، متابعت و ملازمت امام علی علیه السلام با پیامبر اکرم (ص) است چنانچه از قثم بن عباس پرسش می شود؛ چگونه است که پسر عمویتان علی علیه السلام از همه شماها به پیامبر نزدیک تر و مقرب تر است و وارث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شده است؟ ایشان چنین پاسخ می دهند: «لأنه كان أولنا برسول الله صلى الله عليه وآله لحوقاً وأشدتاً به لزوقاً^۷» «زیرا که او در میان ما نخستین کسی بود که به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله پیوست و بیشتر از همه ما همراه پیامبر و ملازم آن حضرت بود»

^۱ الفیروز آبادی، القاموس المحیط، ج ۱۳، ص ۳۶۳

^۲ ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، معجم المقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۳۸، «ل ح ق»

^۳ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۳۷

^۴ تحریری، جلوه های لاهوتی، ج ۲، ص ۵۸۳

^۵ نساء: ۵۹

^۶ مائده: ۵۵

^۷ مفید، الفصول المختاره، ص ۲۴۶

و همچنین است در مورد حضرت سلمان که پیامبر(ص) می فرمایند: « مَا حَضَرَ نِي جَبْرَائِيلُ إِلَّا أَمَرَنِي عَنْ رَبِّي أَنْ أَقْرَأَهُ السَّلَامَ^۱ » جبرئیل نزد من حاضر نمی شد مگر اینکه از جانب پروردگرم امر می کرد که به او سلام(خداوند را) برسانم»

از این رو هر انسان سالکی که در این مسیر گام بگذارد به میزان ظرفیت ایمانی که حاصل نموده به مقامات معنوی اهل بیت علیهم السلام ملحق می شود. چنانچه قرآن کریم می فرماید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ^۲ » و آنان که ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان پیرو ایشان شدند ما آن فرزندان را به آنها برسانیم و از پاداش عمل آنان هیچ نگاهیم. هر نفسی در گرو عملی است که اندوخته است^۳

و این منتی بس بزرگ است که خداوند متعال بر مسلمانان نهاده و فرزندان مومن ایشان را با همه کوتاهی‌ها و کم‌کاری‌ها در عمل(به شرط حفظ ایمان)، به پدران صالحشان ملحق می‌نماید تا نورچشمی برای ایشان باشد.^۴ و این نقطه امیدی است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام خود را به عنوان فرزندان واقعی ایشان بدانند که با همه کاستی‌ها و نواقصی که در اعتقاد، عمل و اخلاق دارند به آنها ملحق می‌شوند و مایه روشنی چشم ایشان در برابر دشمنانشان می‌گردند.^۵

در بیان شمه ای از حقیقت عقل و جهل

عقل درون انسان همان قوه عاقله‌ای است که به حسب ذات، مجرد اما در افعالش مادی است و به حسب فطرت مایل به خیرات و کمالات دارد و دعوت کننده به عدل و احسان است. عقل انسانی که مشتمل بر عقل نظری و عقل عملی است را عقول جزئیة گویند. و در مقابل آن، قوه واهمه قرار دارد و تا زمانی که تحت اشراف عقل نباشد و در تصرف نفس مجرد قرار نگیرد تمایل به دنیایی دارد که شجره خبیثه و اصل اصول شرور است. و اما آن عقل هدایت‌گر که انسان را به سر منزل مقصود می‌رساند طبق کلام شریف امام صادق علیه السلام:

«اعْرِفُوا الْعُقُلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَهْتَدُوا» «عقل و لشکر او و جهل و لشکر او را بشناسید تا هدایت شوید»^۵

جوهری نورانی مستقل از عالم ماده، اولین مخلوق از عالم مجردات، اولین تجلی فیض مقدس، مشیت مطلقه و نور نبی اکرم (ص) در عالم تخلیق و ابداع، باطن، سرّ و حقیقت عقول جزئیة است که آن را عقل کل، عقل غیر انسانی و عقل عالم کبیر گویند. در مقابل این حقیقت نورانیه، حقیقت دیگری به نام وهم کل ذکر شده است که

^۱ المحدث قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۰۲

^۲ طور: ۲۱

^۳ بحرانی، تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۴۱، روایت ۲

^۴ تحریری، جلوه های لاهوتی، ج ۲، ص ۵۸۵

^۵ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱

لذا هر قدر، عقلانیت افراد ارتقا یابد و قوه وهمیه را تحت اشراف خود قرار دهد، امور حَسَن را به درستی تشخیص داده و به ادراک کمال حقیقی خود دست یافته و به آن رغبت می‌یابد. از آنجایی که کمالات حقیقی حصه وجودی داشته و به انسان سعه وجودی حقیقی می‌دهند در نتیجه انسان را به مرتبه اشرف مخلوقات رسانده و حاصل آن رسیدن به جانشینی حق تعالی می‌شود. در واقع هر قدر حصه وجودی یک موجود بیشتر شود شباهت و قرابت او به خدای متعال نیز افزایش یافته تا آنجایی که خود را در قرب الهی می‌یابد.

انسان به دنبال اوج کمال، یعنی رسیدن به قرب خداوند است. حتی مشرکان مقصود از پرستش بت‌ها را قرب الهی می‌دانستند چنانکه خداوند در قرآن از زبان آنان می‌فرماید: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى»^۱ «ما آنها (بتها) را جز برای آنکه ما را هرچه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم»^۱

این سخن، بیانگر آن است که مؤمن و مشرک در طلب کمال مطلوب هستند اما مسیر رسیدن به کمال مطلوب در مشرکین به علت تزیین قوه وهم، به انحراف رفته است. لذا، قوه عاقله با تبعیت از اهل بیت علیهم السلام و همراه شدن با ایشان به ادراک مسیر صحیح که همان قرب الهی است خواهد رسید.

ب. کنترل قوه واهمه، شهوت و غضب

هریک از قوای عقل، وهم، شهوت و غضب برای زندگی بشر امری ضروری هستند. چنانکه قوه شهوت جهت ایجاد پیوند اجتماعی و بقاء نسل بشر، قوه غضب جهت حفظ حریم و حرم جامعه انسانی، قوه وهم جهت ایجاد انگیزه در افعال انسان هستند. هر یک از این قوا در حالت افراط یا تفریط موجب انحراف انسان از مسیر می‌شوند اما زمانی که به مدیریت عقل درآیند و در مرز اعتدال قرار گیرند نوید بخش سعادت خواهند بود.^۲ به عبارتی، کنترل قوای واهمه، شهوت و غضب بر عهده قوه عاقله است که این قوه با تبعیت و همراهی اهل بیت علیهم السلام به فعلیت خواهد رسید.

ج. ریاضت نفس

آن هنگام که سه گانه واهمه، غضب و شهوت، مغلوب عقل شوند و در سیطره آن قرار گیرند، انسان در مسیر سعادت قرار می‌گیرد، شایان ذکر است میسر شدن سیطره عقل بر آنان، مستلزم ریاضت نفس است چنانکه در برخی از روایات از آن به جهاد اکبر تعبیر شده.^۳ در برخی از احادیث نیز آمده است: «المُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ فِي اللَّهِ»^۴ «مجاهد کسی است که به خاطر خدا با نفس خود مبارزه کند»^۴ از این رو پیروزی در این نزاع و تقابل،

^۱ زمر: ۳

^۲ حسینی طهرانی، رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم، ص ۴۶

^۳ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲

^۴ سید رضی، المَجَازَاتُ النَبَوِيَّةُ، ص ۱۹۴

مستلزم دو امر مهم است؛ نخست تبیین مرزهای عقل و جهل و دوم حضور فعال در عرصه رویارویی عقل و جهل. در این رویارویی فعال، شناخت جنود عقل و جهل، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آنان مورد نیاز است که از دامنه این نوشتار خارج بوده و به تحقیقات آینده سپرده می‌شود.

نتیجه گیری

در تبعیت و همراهی با اهل بیت علیهم السلام عوامل گوناگونی تأثیرگذار است. برخی از این عوامل درونی و برخی بیرونی هستند. از مجموعه عوامل بیرونی می‌توان به انبیاء، اهل بیت علیهم السلام، مبلغین دین اشاره نمود و از عوامل درونی می‌توان عقل، عقلانیت، فطرت و وجدان را نام برد. هنگامی که عقل، مدیریت قوای درونی انسان از جمله قوای واهمه، غضبیه و شهوت را در سیطره‌ی خود قرار دهد و در واقع عقول جزئیة انسان خود را به عقل کل متصل کند می‌تواند از اهل بیت علیهم السلام تبعیت کند و به همراهی ایشان بپردازد. تبعیت و ملازمتی که عقلانیت در همه ابعاد آن جاری است و سریان دارد تا جایی که منتج به همراهی و ملازمت با اهل بیت علیهم السلام، شرافت عقل و تجلی فعلی حق تعالی می‌شود. از این رو به هر میزان که عقلانیت در جهت عقل عالم کبیر که حقیقت محمدیه (ص) است تعالی پیدا کند موجب ملحق شدن عقول جزئیة انسان به عقل کل می‌شود تا جایی که انسان از تاریکی جهل بریء شده سرشار از نور عقل می‌گردد. و اما آنجایی که عقل مغلوب جهل شود و قوه واهمه رشد کند انسان مسیر خود را در روی گردانی از اهل بیت علیهم السلام و مسامحه در حق ایشان یافته در نتیجه خود را از نور حقیقت محروم ساخته و طبق بخش ابتدایی و پایانی فراز، دچار شقاوت و هلاکت خواهد شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشاهی
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی
۳. قمی، عباس، سلوک الصالحین، ترجمه: سید جعفر رفیعی، قم، انتشارات هادی مجد، چاپ هشتم، ۱۳۹۶ش
۴. ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق
۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش
۶. محمدی ری شهری، محمد، تفسیر قرآن ناطق، قم، نشر دار الحدیث، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش
۷. جمال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم ابن منظور الافریقی المصری (۷۱۱_۶۳۰ق)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق
۸. خلیل بن احمد الفراهیدی (م۱۷۵ق)، ترتیب کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی_ابراهیم السامرائی، قم، نشر اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش
۱۰. احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی (م۷۷۰ق)، المصباح المنیر، قم، نشر دار الهجره، چاپ اول، ۱۴۰۵ق
۱۱. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، الشیخ الصدوق، (م۳۸۱ق)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش

۱۲. مجد الدین محمد بن یعقوب الفیروز آبادی، **القاموس المحیط**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق
۱۳. اصفهانی، راغب، **مفردات الفاظ القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت_دمشق، دارالقلم، دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ق
۱۴. مجلسی، محمد تقی، **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه**، بنیاد فرهنگ اسلامی
۱۵. تحریری، محمد باقر، **جلوه های لاهوتی**، تهران، نشر حر_ نشر سبحان، چاپ اول، ۱۳۹۱ش
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان**، تحقیق: محمد صفایی، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱ش
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ش
۱۸. مفید، محمد بن محمد، **الفصول المختاره**، گردآورندگان: علم الهدی، علی بن الحسین، قم، نشر المؤتمر الهالمی لالقیة الشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق
۱۹. عباس بن محمد رضا، **المحدث القمی**، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، دارالاسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق
۲۰. بحرانی، سید هاشم، **تفسیر برهان (البرهان فی تفسیر القرآن)**، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق
۲۱. عاملی، حر، **وسائل الشیعه**، آل البیت، ۱۴۱۴ق
۲۲. زمردیان، احمد، **مقام ولایت در شرح زیارت جامعه**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش
۲۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **معانی الاخبار**، مترجم: عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران، نشر دارالکتب السلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ش
۲۴. خمینی، سید روح الله، **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ نوزدهم، ۱۴۰۱ش
۲۵. خمینی، سید روح الله، **تقریرات فلسفه امام خمینی**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۵ش
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **حیوة القلوب**، تحقیق: سید علی امامیان، قم، نشر سرور، چاپ یازدهم، ۱۳۹۳ش
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، **خردگرایی در قرآن و حدیث**، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ش
۲۸. معین، محمد، **فرهنگ معین**، تهران، آدنا، چاپ چهارم، ج ۱
۲۹. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، **رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم**، مشهد، انتشارات نور ملکوت قرآن، چاپ هشتم، ۱۴۲۸ق

۳۰. سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، نشر کومش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش
۳۱. یزدان پناه، سید یدالله، حکمت اشراق، تحقیق و نگارش: مهدی علی‌پور، تهران، سمت؛ قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش
۳۲. جوادی آملی، عبدالله، رَحِیقِ مَخْتوم، قم، اسراء، چاپ دوم، ج ۲، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش
۳۳. سید رضی، محمد بن حسین، المَجَازَاتِ النَبَوِیَهِ، تحقیق و تصحیح: مهدی هوشمند، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش
۳۴. قائمی‌نیا، علیرضا، «چیستی عقلانیت»، ذهن، شماره ۱۷
۳۵. صالحی، حسین، «حقیقت عقل از دیدگاه امام خمینی»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، نشر عروج، ۱۳۸۸ش
۳۶. سخاوتیان، سید امیر، «عقلانیت جاری بر تربیت متعالی در حدیث جنود عقل و جهل»، تربیت متعالی، دوره ۱، شماره ۴، ۱۴۰۱ش
۳۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه